

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۳/۳۰

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۹/۲۶

فصل نامه علمی - ترویجی پژوهش‌های مهدوی

سال هشتم، شماره ۲۹، تابستان ۱۳۹۸

## پژوهشی در موقعیت بیداء و رویدادهای واقع در آن از محل احرام تا فرونشست آن از منظر فریقین

سید محمود سامانی<sup>۱</sup>

### چکیده

درباره بیداء روایتی در برخی منابع متقدم اهل سنت و شیعه آمده است که آن مربوط به نشانه‌های ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و با عنوان «خسف بیداء» (فرو رفتن لشکری در منطقه بیداء در نزدیکی مدینه منوره) است. از این رو این رویداد به عنوان یکی از علائم الظهور از اشتراکات شیعه و سنی می‌باشد. افزون بر آن، بیداء از صدر اسلام محل وقوع برخی رویدادهای مهم مرتبط با مسلمانان بوده است. در این پژوهش که به روش توصیفی تحلیلی و با اتکالی به منابع کتابخانه‌ای انجام شده، به رویدادها و کارکردهای بیداء از محل احرام بستن تا فرو خوردن لشکر سفیانی پرداخته شده است. پرسش اصلی این مقاله آن است که بیداء از منظر منابع شیعی و سنی چه کارکردهایی دارد و رویدادهای به وقوع پیوسته در آن و اشتراکات و احیاناً افتراقات شیعه و سنی در این باره چیست؟ برآیند مقاله حاکی از آن است که بیداء افزون بر آن که در منابع فریقین به عنوان محل احرام، تلبیه، نماز و نیز بیان برخی احکام دانسته شده، مکانی است که لشکری در آخرالزمان که دشمن حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف هستند در آن فرو می‌روند و به هلاکت می‌رسند.

### واژگان کلیدی

خسف بیداء، کارکردهای بیداء، تلبیه در بیداء، احرام در بیداء، خروج سفیانی،

حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف.

۱. مدرس دانشگاه معارف اسلامی و پژوهشگر (Mahmud.samani@gmail.com).

## مقدمه

بیداء در لغت به معنای بیابان نرم و بی‌آب و علف (فراهیدی، ۱۴۰۹ق: ج ۸، ۸۴) و نیز بیداء به معنی «إباده» و هلاک نمودن است. (طریحی، ۱۴۰۸ق: ج ۳، ۱۸) و در اصطلاح نام بیابانی است که درباره موقعیت آن سه دیدگاه وجود دارد:

۱. بیداء در جنوب غربی مدینه منوره و پس از ذوالخلیفه (مسجد شجره) در سمت چپ واقع است و فاصله چندانی با مدینه ندارد. (خراسانی، جواد، مهدی منتظر، ۱۳۸۸ش: ۲۴۲) این بیابان با راه مدینه به جده و مکه، به دو بخش جنوبی و شمالی تقسیم شده است. (الخیاری، ۱۴۱۹ق: ۳۴۶) در حال حاضر ساختمان تلویزیون مدینه و نیز دانشکده‌ای در بیداء قرار دارد. (شراب، ۱۴۱۱ق: ۶۷) هم‌چنین ساختمان وزارت آموزش پرورش و ساختمان‌های دیگری و نیز پادگان‌هایی در قسمت شمالی بیداء مستقر است و امروزه بیداء، در محدوده مدینه واقع است. مطابق مشاهده عینی برخی محققان و پرس و جو از اهالی مدینه در ایام حج، آنها بیداء را از نواحی مدینه معرفی کرده و تأکید داشته‌اند که اکنون نیز این ناحیه به نام بیداء معروف است. تابلوی نصب شده بیداء در مسیر مسجد شجره نیز مؤید آن است. (مهدی پور، ۱۳۸۹ش: ۱۱۸)

۲. کاربرد اکثری بیداء در روایات، آن است که آن منطقه‌ای میان مکه و مدینه است. (ابن اثیر، ۱۳۶۴ش: ج ۱، ۱۷۱) در این دیدگاه مشخص نیست که این سرزمین به کدام یک از حرمین شریفین نزدیک‌تر است.

۳. برخی دیگر بیداء را نزدیک به مکه مکرمه دانسته‌اند تا مدینه منوره این در حالی است که برخی به نزدیک بودن آن به مدینه تصریح کرده‌اند. (طریحی، ۱۴۰۸ق: ج ۳، ۱۸)

در منطقه بیداء - در صورتی که آن را از حومه مدینه منوره بدانیم - در طول تاریخ بلند اسلام، رویدادهایی به وقوع پیوسته و مطابق برخی روایات، در آینده نیز آستان حوادثی تکان‌دهنده مانند فرورفتن سپاه سفیانی در آن خواهد بود. از این رو بیداء مکانی است که کارکردهای مختلفی اعم سیاسی و فقهی دارد (ادامه مقاله).

اهمیت بیداء، فرو نشست زمین (خسف) در آن است که از نظر برخی محققان، از حوادث مربوط به حادثه قیام سفیانی است، اما با توجه به اهمیت ویژه‌ای که دارد، به طور مستقل در کنار سایر نشانه‌های ظهور از آن یاد شده است. از دلایل اهمیت آن می‌توان به این نکته اشاره کرد که خسف بیداء در میان سایر نشانه‌های ظهور، از این رو وضعیتی منحصر به فرد دارد که افزون بر اعجاز‌آمیز بودن این پدیده، دخالت مستقیم خداوند در حمایت از جبهه حق است و

نشان از آن دارد که اراده خداوند سبحان آن است که به هر صورت ممکن، ولو با دخالت عوامل غیرطبیعی، از جان امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف محافظت نماید. این رخداد اعجازآمیز که منجر به نابودی بخش‌هایی از مهم‌ترین جبهه مخالف حضرت می‌شود، برای سایر مخالفان و معاندان، دارای این پیام است که مقاومت در برابر حرکت جهانی امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ثمری جز شکست در پی نخواهد داشت. (آیتی، ۱۳۸۹ش: ۱۲) نکته دیگری که اهمیت این ماجرا را می‌نمایند، شباهت آن با ماجرای اصحاب فیل است؛ زیرا در طول تاریخ دو سپاه جنگی وجود داشته و خواهند داشت که در مسیر مکه به شکل اعجازآمیز و با دخالت نیروهای غیبی نابود می‌شوند (همو).

### پیشینه موضوع

در باره خسف بیدا، اهل سنت و شیعیان به مانند اصل مسئله مهدویت و بسیاری از مسائل دیگر درباره آن (مانند: خروج دجال، نزول عیسی علیه السلام از آسمان و اقتدا به حضرت متفق القولند. (نजारادگان، ۱۳۸۳ش: ۳۵۰) این در حالی است که در رابطه با کارکردها و یا رویدادهای بیدا در بازه زمانی از ظهور اسلام تا خسف بیدا، به رغم استقصای صورت گرفته، تحقیق درخور توجهی یافت نشد و از این جهت موضوع مورد بحث، فاقد پیشینه است. البته در جلد چهارم *دانش‌نامه حج و حرمین شریفین* مدخلی با نام «بیداء» در دو صفحه وجود دارد که در آن به برخی از رویدادهای واقع شده در این سرزمین در عصر رسول الله صلی الله علیه و آله با قلم دانش‌نامه‌ای پرداخته شده است. (صادقی، ۱۳۹۲ش: بیداء [دانش‌نامه حج و حرمین شریفین]، ج ۴، ۷۲۸-۷۲۹) این را مدخل را می‌توان پیشینه خاص برای موضوع مقاله پیش‌رو محسوب کرد. نیز در جلد نخست دانش‌نامه مذکور مدخلی به نام «آخرالزمان» وجود دارد که در صفحه از آن به خروج سفیانی و داستان نشست زمین و فرو رفتن لشکر سفیانی پرداخته شده است. (میرعرب، ۱۳۹۲ش: آخرالزمان [دانش‌نامه حج و حرمین شریفین]، ج ۱، ۱۱) این مدخل و مداخل مشابه آن مانند خروج سفیانی و اشراف الساعه در دائرةالمعارف‌ها، فرهنگ‌نامه‌ها و دانش‌نامه‌ها را می‌توان پیشینه عام بیداء به شمار آورد.

در این مقاله، رویدادها در بیداء و کارکردهای آن از منابع مختلف شیعه و اهل سنت استخراج شده است و در چند محور مورد بحث قرار می‌گیرد.

رویدادها و کارکردهای بیداء: برای این مکان کارکردهایی در منابع شیعه و سنی ذکر شده که

عبارتند از:

۱. محل احرام: بیداء افزون بر آن که مطابق برخی روایات، محل تلبیه است، از اماکن محرم شدن زائر بیت‌الله الحرام نیز می‌باشد چنان که نقل شده رسول خدا ﷺ در سفر حج، در حالی که با دو تکه پارچه صُحاری (پنبه یمنی سرخ‌فام) احرام بسته بود (ابن سعد، ۱۴۱۸ق: ج ۲، ۱۳۱؛ کلینی، ۱۳۶۳ش، ج ۴، ۳۳۹)، در بیابان بیداء، نزدیک منطقه شجره، با گفتن کلمات تلبیه، محرم شد. (کلینی، ۱۳۶۳ش: ج ۴، ۲۴۵؛ واقدی، ۱۴۰۹ق: ج ۳، ۱۰۹۰؛ ابن سعد، ۱۴۱۸ق: ج ۲، ۱۳۱؛ صالحی شامی، ۱۴۱۴ق: ج ۹، ۲۶۳) در مقابل برخی از روایات بر احرام رسول خدا ﷺ از ذوالحلیفه (مسجد شجره) تأکید دارند. (ابن کثیر، ۱۴۰۸ق: ج ۵، ۱۱۷-۱۱۸؛ کاسانی حنفی، ۱۴۰۹ق: ج ۲، ۱۴۵) البته گزارش‌ها درباره محل احرام بستن پیامبر در حجة الوداع (سال دهم هجری) متفاوت هستند. براساس گروهی از روایات، رسول خدا ﷺ در بیداء محرم شد، نماز خواند (کلینی، ۱۳۶۳ش: ج ۴، ۲۴۸؛ ابن فهد مکی، ۱۴۰۸ق: ج ۱، ۵۷۰) و تلبیه سر داد (النسائی، ۱۴۱۱ق: ج ۵، ۶؛ النووی، بی تا: ج ۷، ۱۵۴؛ ابن کثیر، ۱۴۰۸ق: ج ۵، ۱۱۰) این گروه از اخبار، مبنای حکم به جواز احرام و تلبیه از بیداء شده است. در مقابل، برخی از روایات بر محرم شدن آن حضرت از ذوالحلیفه (مسجد شجره) تأکید دارند. (ابن کثیر، ۱۴۰۸ق: ج ۵، ۱۱۷-۱۱۸؛ کاسانی حنفی، ۱۴۰۹ق: ج ۲، ۱۴۵) چنان که به گفته ابن عباس، آغاز احرام و تلبیه رسول خدا ﷺ ذوالحلیفه بوده است. وی گزارش‌های مربوط به محرم شدن آن حضرت در بیداء را از این رو نمی‌پذیرد که همراهان پیامبر در این سفر حج، بر پایه دریافت شخصی، اعمال حج پیامبر ﷺ را بازگو کرده‌اند. وی در این سخن، آغاز احرام و تلبیه رسول خدا ﷺ را در ذوالحلیفه دانسته است. (بیهقی، بی تا: ج ۵، ۳۷؛ کاسانی حنفی، ۱۴۰۹ق: ج ۲، ۱۴۵)

افزون بر گزارشی از محرم شده رسول خدا ﷺ در بیداء، نمونه‌هایی از احرام امیران و حاکمان و صاحب منصبان از بیداء در منابع آمده است. چنان که گفته شده، عبدالملک بن مروان (از خلفای اموی) در سال ۷۵ق. به پیشنهاد ابان بن عثمان بن عفان (کارگزار امویان در مدینه) در این مکان مُحرم شد. (ابن عساکر، ۱۴۱۵ق: ج ۳۷، ۱۳۴)

۲. بیداء محل تلبیه: براساس منابع روایی شیعی (کلینی، ۱۳۶۳ش: ج ۴، ۳۳۴؛ طوسی، ۱۳۶۵ش: ج ۵، ۸۴) و نیز برخی منابع اهل سنت (ابن کثیر، ۱۴۰۸ق: ج ۵، ۱۱۰) هنگامی که پیامبر ﷺ در حجة الوداع (سال دهم هجرت) از منطقه شجره به بیداء رسید، تلبیه گفت. از

این رو به تأخیر انداختن تلبیه تا رسیدن به منطقه بیداء مستحب دانسته شده است. چنان‌که برخی روایات‌ها به جواز احرام در ذوالحلیفه و تلبیه در بیداء تأکید دارند. (حمیری، ۱۴۱۳ق: ۲۴۲) از امام صادق علیه السلام روایت شده است که:

چون رسول خدا صلی الله علیه و آله به بیداء می‌رسید، شتری نزدیکش می‌آوردند. سوار آن می‌شد و چون شتر به حرکت می‌افتاد، پیامبر صلی الله علیه و آله لبیک‌های چهارگانه را چنین می‌گفت: «لبیک، ای خدا، لبیک! لبیک! تو شریکی نداری. ستایش و نعمت و فرمانروایی، از آن توست. شریکی برای تو نیست». (همو: ۱۲۵؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق: ج ۹۹، ۱۸۳)

هرچند در باره استحباب تلبیه در بیداء، اختلاف وجود دارد که آیا آن تنها برای شخص سواره است و یا پیاده. شماری از فقیهان شیعه با توجه به وجوب تلبیه از هنگام احرام و نیز از آن رو که احرام مردم مدینه در مسجد شجره در ذوالحلیفه است، گزارش مربوط به احرام و تلبیه پیامبر صلی الله علیه و آله را به معنای بلند لبیک گفتن از این مکان تفسیر کرده‌اند. (حلی، ۱۴۱۰ق: ج ۱، ۵۳۵؛ حلی، ۱۴۱۴ق: ج ۷، ۲۵۶) در باره بلند لبیک گفتن در بیداء، روایاتی، حاکی از آن است که پیامبر صلی الله علیه و آله در این مکان تلبیه را با صدای بلند و رسا انجام داد. (المغربی، ۱۳۸۳ق: ج ۱، ۳۰۲؛ حمیری، ۱۴۱۳ق: ۲۴۲؛ نوری، ۱۴۰۸ق: ج ۹، ۱۷۵) این دسته از روایات با مضمون برخی دیگر از روایات‌ها همخوانی دارد. (المغربی، ۱۳۸۳ق: ج ۱، ۳۰۲؛ نوری، ۱۴۰۸ق: ج ۹، ۱۷۵)

بعضی از احادیث، تلبیه پیامبر صلی الله علیه و آله در بیداء را برای آموزش حاجیان دانسته‌اند (کلینی، ۱۳۶۳ش: ج ۴، ۳۳۴؛ طوسی، ۱۳۶۳ش: ج ۲، ۱۷۰؛ طوسی، ۱۳۶۵ش: ج ۵، ۸۵) که در این صورت نباید اقدام آن حضرت را دال بر این دانست که محل تلبیه بیداء است. بنابراین روایاتی بر بلند لبیک گفتن پیامبر صلی الله علیه و آله در بیداء تأکید دارند. (المغربی، ۱۳۸۳ق: ج ۱، ۳۰۲؛ نوری، ۱۴۰۸ق: ج ۹، ۱۷۵) قابل یادآوری است که شماری از فقیهان بلند لبیک گفتن در بیداء را مستحب دانسته‌اند. (مفید، ۱۴۱۰ق: ۴۴۷؛ طوسی، ۱۴۰۷ق: ج ۲، ۲۸۹؛ حلی، ۱۳۶۸ش: ۹۰) به هر روی برخی از حاکمان و امیرالحاج‌ها شروع تلبیه را از بیداء انجام می‌دادند چنان‌که مسلمه بن هشام بن عبدالملک که در سال ۱۱۶ق. از سوی پدرش امیرالحاج بود، به سفارش محمد بن هشام بن اسماعیل مخزومی (امیر مدینه منوره) در این مکان تلبیه را آغاز کرد. (ابن عساکر، ۱۴۱۵ق: ج ۵۸، ۶۷)

نتیجه آن‌که از کارکردها و نقش‌های بیداء، تلبیه گفتن فرد محرم است چه بپذیریم که آن جا محل تلبیه می‌باشد و یا مکان بلند گفتن آن، همان‌گونه که برای هر دود مورد روایات و

شواهدی اقامه شده است.

۳. **بیداء محل اقامه نماز:** از کارکردهای فقهی بیداء، اقامه نماز در آن جاست که درباره آن نظرات فقها و دانشمندان اسلامی متفاوتند. مطابق گروهی از روایت‌ها، خواندن نماز در بیداء تنها هنگام کمبود وقت جایز دانسته شده است. (صدوق، ۱۴۰۴ق: ج ۱، ۲۴۴) در مقابل روایات متعددی از معصومین علیهم‌السلام مبنی بر کراهت نماز گزاردن در سرزمین بیداء وجود دارد. (کلینی، ۱۳۶۳ش: ج ۳، ۳۸۹؛ البرقی، ۱۳۲۶ش: ج ۲، ۳۶۵) شاید از این رو بوده است که گفته شده امام باقر علیه‌السلام هنگام حج در گذر از این مکان شتاب می‌کرد. (کلینی، ۱۳۶۳ش: ج ۳، ۳۸۹؛ حلی، ۱۴۲۰ق: ج ۱، ۲۱۶) نیز از امام صادق علیه‌السلام در این باره چنین روایت شده است:

الصلوة تکره فی ثلاثة مواطن من الطريق: البیداء و هی ذات الجیش و ذات الصلاصل و ضجنان؛ (کلینی، ۱۳۶۳ش: ج ۳، ۳۹۰-۳۹۱؛ حلی، ۱۴۱۴ق: ج ۲، ۴۱۰؛ شهید اول، ۱۴۱۹ق: ج ۳، ۹۰)

در سه مسیر نماز خواندن مکروه است: بیداء که همان ذات الجیش است و ذات الصلاصل و ضجنان.

شماری از فقیهان شیعی نیز نماز خواندن در بیداء را مکروه دانسته‌اند. (مفید، ۱۴۱۰ق: ۴۴۷؛ السرخسی، ۱۴۰۶ق: ج ۱، ۳۸۴؛ ابن حمزه، ۱۴۰۸ق: ۸۹-۹۰) گروهی دیگر از دانشوران شیعه نیز نماز خواندن در برخی مکان‌های بین الحرمین مانند بیداء را مکروه دانسته‌اند. (نراقی، ۱۴۱۵ق: ج ۴، ۴۳۴؛ بحرانی، ۱۳۶۳ش: ج ۷، ۲۱۲-۲۱۳)

برخی از فقها علت حکم یاد شده را خسف سپاه سفیانی در این سرزمین می‌دانند. برای نمونه ابن ادریس حلی در مقام شمارش مکان‌هایی که نماز در آنها کراهت دارد چنین می‌نویسد:

و پیدا چرا که آن جا سرزمین خسف است براساس آن چه در روایات آمده است سپاه سفیانی در حالی که قصد مدینه الرسول را دارد به آن جا می‌آید و خداوند آنها را در دل زمین فرو می‌برد. (حلی، ۱۴۱۰ق: ج ۱، ۲۶۵)

۴. **بیداء محل بیان برخی احکام اسلام:** مطابق برخی اخبار؛ در حجة الوداع (سال دهم هجری)، محمد بن ابی بکر از یاران امام علی علیه‌السلام از اسما بنت عمیس خثعمی در بیداء متولد شد و همین موجب گردید تا رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم حکم چگونگی حج گزاردن زنان وضع حمل کرده یا حائض در حج را بیان کند. (کلینی، ۱۳۶۳ش: ج ۴، ۴۴۴) البته برخی منابع تصریح کرده‌اند که

محمد بن ابی بکر در ذوالحلیفه متولد شده است. قابل یادآوری است که این مکان در مجاورت بیدا قرار دارد.

نیز آیه ۴۳ نساء که به آیه تیمم و یا آیه رخصت شهرت دارد مطابق نقل عایشه در بیداء نازل شده است. (البغوی، ۱۴۲۰ق: ج ۱، ۶۳۵؛ الواحی، ۱۴۱۱ق: ۱۵۸؛ الثعلبی، ۱۴۲۲ق: ج ۳، ۳۱۷) البته منابع بسیاری به طور دقیق به محل نزول آیه اشاره نکرده‌اند. چنان‌که بنا به نقل ابن عباس از عمار یاسر:

پیامبر ﷺ شبی در اردوگاه استراحت کرد و عایشه نیز که حضور داشت گردن‌بندش گم کرد که برای یافتن آن تا صبح ماندند. صبح کسی آب همراه نداشت و خدای تعالی آیه تیمم را فرو فرستاد. مسلمین برخاسته دست بر زمین زدند و بدون آن‌که خاک بردارند، بر صورت کشیدند و به مسح پشت دست‌ها پرداختند. (الواحی، ۱۴۱۱ق: ۸۳)

نیز براساس گزارش‌های تفسیری، بیداء محل نزول آیه ۶۴ انفال است که آن پیش از نبرد بدر (سال دوم هجری) و در تشویق نبرد با مشرکان نازل شد. (الطبرسی، ۱۴۰۶ق: ج ۴، ۸۵۷؛ القرطبی، ۱۴۰۵ق: ج ۸، ۴۳؛ الثعالبی، ۱۴۱۸ق: ج ۳، ۱۵۴)

۵. بیداء محل بلعیده شدن سپاه سفیانی<sup>۱</sup>: از مهم‌ترین رویدادهای بیداء، خسف (نشست زمین) در آن است که در منابع شیعه و اهل سنت<sup>۲</sup> از نشانه‌های ظهور امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف دانسته شده و روایاتی به انعکاس آن پرداخته‌اند. تعدد این‌گونه روایات موجب استفاضه آنها شده از این رو در اصل رخداد خسف بیداء که در آینده اتفاق می‌افتد و این حادثه از حوادث مرتبط با ظهور امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است نمی‌توان تردید کرد. به نوشته یکی از محققان:

احادیث و اخباری که از طریق اصحاب و تابعین و تابعین تابعین در مورد خسف بیداء (فرو رفتن زمین در منطقه بیداء) و سفیانی به دست ما رسیده بسیار زیاد است. هرکس طالب دیدن این روایات است باید به تفاسیر شیعه و سنی مثل مجمع البیان، نورالثقلین، تبیان، برهان، صافی، تفسیر ابوالفتوح، دُر المنثور، طبری، قُطبی، روح المعانی، روح البیان و... مراجعه کند. در این تفاسیر، بشارت به ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و بحث‌های مفصل در مورد سفیانی و خسف بیداء مطرح شده است. (صافی گلپایگانی، ۱۳۸۰ش: ج ۳، ۹۶)

۱. سفیانی از نشانه‌های ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است که در منابع روایی شیعه مانند (کلینی، ۱۳۶۳ش: ج ۱، ۳۳۷؛ حمیری، ۱۴۱۳ق: ۳۷۴؛ صدوق، ۱۳۶۳ش: ۳۲۸) و منابع سنی (حاکم نیشابوری، ۱۴۰۶ق: ج ۴، ۵۰۱-۵۰۲؛ مروزی، ۱۴۱۴ق: ج ۱، ۲۸، ۱۵۹-۱۶۰) از آن به عنوان خروج «سفیانی» یاد می‌شود.

۲. به عنوان نمونه رک: فاکهی، اخبار مکه، ج ۱، ۳۶۲.

در روایاتی از امامان شیعه و نیز برخی از اهل سنت، آیاتی از قرآن، به حادثه خسف بیداء تاویل شده است که عبارتند از:

۱. «أَقَامِنَ الَّذِينَ مَكَرُوا السَّيِّئَاتِ أَنْ يَخْسِفَ اللَّهُ بِهِمُ الْأَرْضَ أَوْ يَأْتِيَهُمُ الْعَذَابُ مِنْ حَيْثُ لَا يَشْعُرُونَ» (نحل: ۴۵) از امام صادق علیه السلام درباره این آیه روایت شده است:

هنگام خروج یکی از فرزندان حسین علیه السلام با پرچم پیامبر صلی الله علیه و آله که او را سیصد و اندی مرد همراهی می‌کنند و او قصد مدینه می‌کند و چون به بیداء می‌رسد می‌فرماید: این جا مکان گروهی است که در زمین فرو می‌روند و این همان سخن خداوند است که می‌فرماید: «آیا کسانی که تدبیرهای بد می‌اندیشند، ایمن شدند از این که خدا آنان را در زمین فرو برد، یا از جایی که حدس نمی‌زنند عذاب برایشان بیاید؟ آیا در حال رفت و آمدشان [گریبان] آنان را بگیرد، و کاری از دست‌شان برنیاید؟» (عیاشی، بی تا، ج ۱، ۶۵)

۲. «وَلَوْ تَرَى إِذْ فَزِعُوا فَلَا فَوْتَ وَأُخِذُوا مِنْ مَكَانٍ قَرِيبٍ» (سبأ: ۵۱) این آیه در روایات متعددی هم در منابع شیعه و هم در منابع اهل سنت به خسف بیداء تاویل شده و بسیاری از مفسران فریقین (طبری، ۱۴۱۵ق: ج ۲۲، ۱۲۹؛ ابن کثیر، ۱۴۰۸ق: ج ۳، ۵۵۲؛ سیوطی، ۱۳۶۵ق: ج ۵، ۲۴۱؛ طباطبایی، ۱۳۹۳ق: ج ۱۶، ۳۹۱) آیه ۵۱ سبأ را ناظر به هلاکت لشکر سفیانی در «بیداء» دانسته‌اند. از جمله امام علی علیه السلام در این باره می‌فرماید:

... و سفیانی با سپاهی بزرگ به مدینه می‌آید. چون به بیداء مدینه می‌رسد خداوند او را در زمین فرو می‌برد و این همان سخن خداوند بلندمرتبه است که می‌فرماید: «وای کاش می‌دیدید هنگامی را که [کافران] وحشت زده‌اند [آن جا که راه] گریزی نمانده است و از جایی نزدیک گرفتار آمده‌اند.» (نعمانی، ۱۴۲۲ق: ۳۱۶)

در برخی منابع اهل سنت نیز از رسول خدا صلی الله علیه و آله چنین روایت شده است:

... و سفیانی سپاه دیگرش را در مدینه رها می‌کند و آنها سه شبانه روز آن جا را غارت می‌کنند. سپس به سوی مکه حرکت می‌کنند و چون به بیداء می‌رسند خداوند جبرئیل را می‌فرستد و به او می‌فرماید: ای جبرئیل، برو و آنها را نابود کن! پس او با پا ضربه‌ای به زمین می‌زند و خداوند آنها را در دل زمین فرو می‌برد و این همان سخن خداوند در سوره سبأ است که می‌فرماید: «وای کاش می‌دیدید هنگامی را که [کافران] وحشت زده‌اند [آن جا که راه] گریزی نمانده است...» (ابن عساکر، ۱۴۱۵ق: ج ۲۲، ۱۲۹)

۳. «حم عسق» (شوری: ۱-۲) از امام باقر علیه السلام در تاویل این آیات، چنین روایت شده است:

«حم» به قضای حتمی الهی، «عین» به عذاب پروردگار، «سین» به زود هنگام بودن عذاب الهی و «قاف» به قذف و مسخ سپاه سفیانی در آخر الزمان اشاره دارد. به فرموده آن



امام، همزمان با فرورفتن لشکر سفیانی در «بیداء» حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه در مکه ظهور خواهد کرد. (حسینی استرآبادی، ۱۳۶۶ش: ج ۲، ۵۴۲)

۴. «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ آمِنُوا بِمَا نَزَّلْنَا مُصَدِّقًا لِمَا مَعَكُمْ مِنْ قَبْلِ أَنْ نَطْمِسَ وُجُوهًا فَنَرَّذَها عَلَى أَذْبَارِها أَوْ نَلْعَنَهُمْ كَمَا لَعَنَّا أَصْحَابَ السَّبْتِ وَكَانَ أَمْرُ اللَّهِ مَفْعُولًا» (نساء: ۴۷) امام صادق عليه السلام در ضمن روایتی چنین فرمودند:

... امیر سپاه سفیانی در بیداء فرود می‌آید. پس منادی از آسمان ندا می‌دهد: ای بیداء، این قوم را نابود کن! پس آنها را در خود فرو می‌برد و از آنها جز سه نفر باقی نمی‌ماند که خداوند صورت‌های شان را به پشت سر بر می‌گرداند. آنها از قبیلۀ کلبند و این آیه درباره آنان نازل شده است: «ای کسانی که به شما کتاب داده شده است، به آن چه فرو فرستادیم و تصدیق‌کننده همان چیزی است که با شماست ایمان بیاورید، پیش از آن که چهره‌هایی را محو کنیم و در نتیجه آنها را به قهقرا بازگردانیم.» (نعمانی، ۱۴۲۲ق: ۲۹۰)

البته این روایت در مقام بیان مصداق برای برگرداندن سر به پشت است و نه مصداق برای خسف، یعنی یکی از مصداقی برگرداندن سر به سمت پشت که در این آیه آمده برای تعدادی از سپاه سفیانی رخ می‌دهد که از خسف نجات می‌یابند و در آیه اشاره‌ای به فرو رفتن در زمین نیست. با این حال، از آن جا که برگرداندن سر به طرف پشت برای سپاه سفیانی که برای آنان خسف رخ می‌دهد، این آیه را در شمار آیاتی می‌توان دانست که به خسف تأویل شده است. (آیتی، ۱۳۸۹ش)

افزون بر منابع تفسیری، روایات مربوط به این حادثه در بسیاری از منابع کهن اهل سنت و شیعه ذکر شده است که تنوع این منابع و نیز دست اول بودن آنها و توجه محدثان بزرگ شیعه و سنی به این روایات می‌تواند دلیلی بر اصالت و صحت داشتن اصل این ماجرا باشد.<sup>۱</sup> برای نمونه از میان اندیشه‌وران اهل سنت، بخاری و مسلم به روایاتی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله درباره سپاهی که قصد تخریب کعبه را خواهد داشت و در بیداء از میان می‌رود اشاره کرده‌اند. (بخاری، ۱۴۰۱ق: ج ۳، ۱۹؛ قشیری نیشابوری، بی‌تا: ج ۸، ۱۶۸) احمد بن حنبل (رئیس مذهب حنبلی) نیز در روایتی از پیامبر صلی الله علیه و آله، به فرو رفتن سپاهی از شام در بیداء اشاره می‌کند.

۱. از میان منابع شیعه می‌توان به اثبات الرجعه فضل بن شاذان، الکافی کلینی، کمال الدین و الاختصاص شیخ صدوق، الغیبه نعمانی، الغیبه شیخ طوسی، الارشاد شیخ مفید، تفسیر قمی، تفسیر عیاشی و کتاب سلیم بن قیس اشاره کرد و از میان منابع اهل سنت می‌توان از صحاح سته و صحیح ابن حبان و مسند احمد بن حنبل نام برد.

(الشیبانی، بی تا: ج ۶، ۳۱۶) هم چنین ابن حبان در صحیح خود این روایت را آورده و تصریح کرده است که سپاه شامی قصد مهدی را داشته و در تعقیب او روان می شوند. (ابن حبان، ۱۴۱۴ق: ج ۱۵، ۱۵۸) ابوداود سجستانی نویسنده یکی از صحاح شش گانه اهل سنت نیز این روایت را در کتاب المهدی آورده است. (سجستانی، ۱۴۱۰ق: ج ۲، ۳۱۰)

قابل یادآوری است که در برخی از منابع اهل سنت، صرفاً روایاتی از بلعیده شدن سپاهیان شام رهسپار مکه در بیابان بیداء به فرمان خداوند گزارش شده (ازرقی، ۱۴۲۴ق: ج ۱، ۳۶۳-۳۶۴) و در آنها از زمان وقوع خسف سخنی به میان نیامده است. تنها در برخی از این دسته روایت ها، هنگام این رویداد پس از مرگ خلیفه ای که نامی از او برده نشده، دانسته شده است. (ابن عساکر، ۱۴۱۵ق: ج ۱، ۲۹۴) اما در برخی از روایات منقول اهل سنت، به ظهور مهدی و خروج او از مدینه به مکه و همزمانی آن با واقعه بیداء اشاره شده است. (الشیبانی، بی تا: ج ۶، ۳۱۶؛ ابن حبان، ۱۴۱۴ق: ج ۱۵، ۱۵۸)

در منابع شیعی نیز، روایاتی از ائمه اطهار علیهم السلام نقل شده که حاکی از بلعیده شدن سپاهیان شام در بیداء است که آنان پس ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از سوی سفیانی<sup>۱</sup> برای کشتن امام حرکت می کنند. (قمی، ۱۴۰۴ق: ج ۲، ۲۰۵؛ مفید، ۱۴۱۴ق الف: ۲۵۶) به تصریح برخی روایات سپاه سفیانی در تعقیب امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به مکه روانه می شود و ایشان ترسان و نگران وارد مکه می شوند. (نعمانی، ۱۴۲۲ق: ۲۸۹) سپاه سفیانی که به قصد جان امام عازم مکه شده، در میانه راه و در منطقه بیداء در زمین فرو می رود و به جز یک (عیاشی، بی تا: ج ۱، ۶۴) یا دو (عیاشی، بی تا: ج ۲، ۵۷؛ الطبرسی، ۱۴۰۶ق: ج ۸، ۶۲۲) یا سه (نعمانی، ۱۴۲۲ق: ۲۸۹) نفر کسی از آنها زنده نمی ماند. بر پایه روایتی، دو برادر به نام های بشیر و نذیر از این لشکر باقی می مانند. به فرمان جبرئیل، نذیر به سوی دمشق می رود و سفیانی را به ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف انذار می کند و خبر هلاکت سپاهیان در بیداء را به او می رساند و بشیر نیز به فرمان جبرئیل به سوی مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در مکه می رود و او را به هلاکت ظالمان بشارت می دهد و نزد وی توبه می کند. (خصیبی، ۱۴۱۱ق: ۳۹۸) بنابر روایات، خداوند به شکل

۱. روایت معتبری که گویای نام وی باشد در دست نیست. در روایاتی از امامان، نام سفیانی: حرب، عبسه، عثمان و از نسل هند جگرخوار و ابوسفیان از بنی امیه دانسته شده است. (ابن طاووس، ۱۴۱۶ق: ۲۹۶؛ صدوق، ۱۳۶۳ش: ۶۵۱؛ نعمانی، ۱۴۲۲ق: ۲۱۷؛ العاملی، ۱۴۱۱ق: ج ۳، ۲۳)

مستقیم یا به واسطه جبرئیل به بیداء دستور می دهد که لشکر سفیانی را فرو بلعد. (نعمانی، ۱۴۲۲ق: ۲۸۹؛ قمی، ۱۴۰۴ق: ج ۲، ۲۰۵) در روایتی از امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام که در آن نشانه های ظهور حضرت مهدی عَلَيْهِ السَّلَام برشمرده شده، یکی از آن علائم، خسف پیدا دانسته شده است. (کلینی، ۱۳۶۳ش: ج ۸، ۳۱۰؛ نعمانی، ۱۴۲۲ق: ۳۰۱، باب ۱۶، ج ۶) گفته شده سفیانی پس از حمله به کوفه و تصرف آن، از حضور امام مهدی عَلَيْهِ السَّلَام در مدینه مطلع می شود و برای دستگیری آن حضرت سپاهی را به سمت مدینه گسیل می دارد. این سپاه در مدینه عده زیادی را دستگیر می کند و به قتل می رساند (العاملی، ۱۴۱۱ق: ج ۳، ۹۱) اما آن حضرت به صورت مخفیانه به سمت مکه حرکت می کند. این سپاه در منطقه ای به نام «بیدا» به صورتی اعجازآمیز در زمین فرو می رود. همان گونه که یادآوری شد، در بسیاری از روایات از این حادثه به عنوان نشانه ای مستقل (نعمانی، ۱۴۲۲ق: ۳۰۱؛ کلینی، ۱۳۶۳ش: ج ۸، ۳۱۰) و حتمی (نعمانی، ۱۴۲۲ق: ۲۶۵، ۲۷۲؛ صدوق، ۱۳۶۳ش: ۶۵۰) برای ظهور منجی عالم بشریت یاد شده است. نکته ای که اهمیت این ماجرا را می نمایاند، شباهت آن با ماجرای اصحاب فیل است؛ زیرا در طول تاریخ دو سپاه جنگی وجود داشته و خواهند داشت که در مسیر مکه به شکل اعجازآمیز نابود می شوند؛ نخست لشکر ابرهه دوم سپاه سفیانی است. (صادقی، ۱۳۸۵ش: ۱۸۹)

نتیجه آن که بیدا از مکان های بین الحرمین، در برخی روایت ها مکان وقوع برخی رویدادهای مربوط به آخرالزمان و عصر ظهور و نیز بلعیده شدن سپاه شام (سفیانی) خوانده شده است. (نعمانی، ۱۴۲۲ق: ۴۴۸؛ حمیری، ۱۴۱۳ق: ۳۷۱-۳۷۲؛ قمی، ۱۴۰۴ق: ج ۲، ۲۰۵-۲۰۶)

در روایات افزون بر خسف لشکر سفیانی در سرزمین بیداء از چندین خسف دیگر نیز یاد شده است که عبارتند از: خسف جایبه (از شهرهای شام) (الحموی، ۱۳۹۹ق: ج ۲، ۹۱؛ ابن عساکر، ۱۴۱۵ق: ۱۴۱۵؛ ج ۲، ۴۰۸؛ نعمانی، ۱۴۲۲ق: ۱۴، ج ۶۷)؛ خسف حرستا (شهری در نزدیکی شام) (الحموی، ۱۳۹۹ق: ج ۲، ۲۴۱)؛ خسف بغداد و بصره (مفید، ۱۴۱۴ب: ج ۲، ۳۷۸)؛ خسف مشرق و مغرب و جزیره العرب. (صدوق، ۱۴۰۳: ۴۳۱)

۱۲۹

۶. مکان ظهور حضرت مهدی عَلَيْهِ السَّلَام: بی تردید مهم ترین رخداد آخرالزمان که همه مسلمانان آن را باور دارند، ظهور منجی عالم است. (مازندرانی، ۱۴۲۱ق: ج ۱، ۳۰۲؛ ج ۶، ۲۵۶) از نظر شیعه و برخی از اهل سنت این منجی، حجت خدا بر روی زمین و اکنون زنده است. (بحرانی، ۱۳۷۴ش: ج ۱، ۳۴۷-۳۵۵؛ ج ۳، ۵۷۶) بر پایه روایتی در منابع حدیثی اهل سنت، وی از

اهل بیت و عترت پیامبر ﷺ و فرزند فاطمه علیها السلام است. (متقی هندی، ۱۴۰۹ق: ج ۱۲، ۱۰۵؛ ج ۱۴، ۲۶۴) منابع درباره مکان ظهور آن حضرت متفق القول نیستند. برخی محل قیام آخرین ذخیره الهی را، بیداء دانسته‌اند. چنان‌که ایوب صبری پاشا (م ۱۳۰۷ق) در گزارشی نادر، به علامتی نصب شده در زمین بیداء اشاره دارد که عبدالله بن عمر بن خطاب آن را نشانه‌ای برای مکان خروج امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف دانسته است. (ایوب صبری پاشا، ۱۴۲۴ق: ج ۴، ۸۶۳) بنابراین خبر، یکی دیگر از کارکردهای بیداء که از شهرت برخوردار نیست، ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در این منطقه است.

### نتیجه‌گیری

بیدا به عنوان سرزمینی میان مکه مکرمه و مدینه منوره البته نزدیک‌تر به مدینه شناخته می‌شود، در عصر اسلامی محل وقوع حوادثی مرتبط با مسلمانان و احکام سلامی بوده و کارکردهای مختلف سیاسی و فقهی داشته و در آینده نیز که زمان دقیق آن مشخص نیست، در آستانه و یا آغاز ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، مهم‌ترین نقش خود را ایفا خواهد کرد. از منظر برخی دانشمندان اهل سنت و شیعه، بیداء کارکردهایی دارد و شاهد وقوع رویدادهایی بوده است که از آن جمله است: از مکان‌های محرم شدن زائران بیت‌الله الحرام، محل ذکر تلبیه، مکان اقامه نماز، محل بیان برخی احکام و نیز بنا به قول غیرمشهوری، مکان ظهور منجی عالم بشریت می‌باشد. اما از مهم‌ترین حوادث سرزمین بیدا، خسف بیداء است که از نشانه‌های حتمی ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف دانسته شده است. جایی که سپاه سفیانی در تعقیب منجی عالم بشریت، به فرمان الهی با نشست زمین به هلاکت می‌رسند.

## منابع

- ابن حمزه، محمد بن علی، *الوسيلة الى نيل الفضيله*، به كوشش الحسون، قم، مكتبة النجفی، ۱۴۰۸ق.
- ابن سعد، محمد، *الطبقات الكبرى*، به كوشش محمد عبدالقادر، بيروت، دارالكتب العلمیه، ۱۴۱۸ق.
- ابن طاووس (سید بن طاووس)، علی بن موسی بن جعفر بن طاووس، *التشريف بالمنن فی التعريف بالفتن*، اصفهان، مؤسسه صاحب الامر عَلَيْهِ السَّلَامُ، ۱۴۱۶ق.
- ابن فهد مکی، عمر بن فهد، *تحاف الوری*، به كوشش عبدالکریم، مکه، جامعة ام القرى، ۱۴۰۸ق.
- ابن کثیر، اسماعیل بن عمر، *البدایة والنهایة*، بیروت، مكتبة المعارف، ۱۴۰۸ق.
- ابن حبان، محمد بن حبان، *صحيح ابن حبان*، فارسی علی بن بلبان، مؤسسه الرساله، دوم، ۱۴۱۴ق.
- ازدی، فضل بن شاذان، *مختصر اثبات الرجعة، مجله تراثنا*، سال دوم، ش ۴، قم، مؤسسه آل البيت عَلَيْهِمُ السَّلَامُ، ۱۴۱۰ق.
- ازرقی، محمد بن عبدالله، *اخبار مکه*، به كوشش ابن دهیش، مكتبة الاسدی، ۱۴۲۴ق.
- آیتی، نصرت الله، «خسف بیداء»، *فصل نامه علمی - پژوهشی مشرق موعود*، سال چهارم، شماره ۱۴، ۱۳۸۹.
- \_\_\_\_\_، *تأملی در نشانه های حتمی ظهور*، قم، مؤسسه آینده روشن، ۱۳۹۰ش.
- البحرانی، یوسف، *الحقائق الناضره*، به كوشش آخوندی، قم، نشر اسلامی، ۱۳۶۳ش.
- بحرانی، سیدهاشم بن سلیمان، *البرهان*، قم، مؤسسه البعثة، ۱۳۷۴ش.
- بخاری، محمد بن اسماعیل، *صحيح البخاری*، بیروت، دارالفکر، ۱۴۰۱ق.
- البرقی، ابن خالد، *المحاسن*، به كوشش حسینی، تهران، دارالكتب الاسلامیه، ۱۳۲۶ش.
- البغوی، حسین بن مسعود، *تفسیر بغوی (معالم التنزیل)*، به كوشش عبدالرزاق، بیروت، داراحیاء التراث العربی، ۱۴۲۰ق.
- بیهقی، السنن الكبرى، بیروت، دارالفکر، بی تا.
- الثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، *تفسیر ثعالبی (الجواهر الحسان)*، به كوشش عبدالفتاح و

- ديگران، بيروت، داراحياء التراث العربى، ١٤١٨ق.
- الثعلبى، احمد بن محمد، تفسير ثعلبى (الكشف والبيان)، به كوشش ابن عاشور، بيروت، داراحياء التراث العربى، ١٤٢٢ق.
- جزرى، ابن اثير، النهاية فى غريب الحديث، قم، مؤسسه اسماعيليان، چهارم، ١٣٦٤ش.
- جواهرى، محمد، المفيد فى معجم رجال الحديث، قم، مكتبة المحلاتى، ١٤٢٤ق.
- الحاكم النيسابورى، محمد بن عبدالله، المستدرک على الصحيحين، تحقيق يوسف عبدالرحمن مرعشلى، بيروت، دارالمعرفه، ١٤٠٦ق.
- حسينى استرآبادى، شرف الدين، تأويل الآيات الظاهره فى فضائل العتره الظاهره، قم، مدرسه الامام المهدي عجل الله تعال فرجه الشريف، اول، ١٣٦٦ش.
- حلى (ابن داود)، حسن بن على، رجال ابن داود، نجف، مطبعة الحيدريه، ١٣٩٢ق.
- حلى، ابن ادريس، السرائر، قم، مؤسسة النشر الاسلامى، دوم، ١٤١٠ق.
- حلى، حسن بن سليمان، مختصر بصائر الدرجات، نجف، منشورات المطبعة الحيدريه، اول، ١٣٧٠ق.
- حلى، حسن بن يوسف، تبصرة المتعلمين، به كوشش حسينى و يوسفى، تهران، فقيه، ١٣٦٨ش.
- \_\_\_\_\_، تحرير الاحكام الشرعيه، به كوشش بهادرى، قم، مؤسسة الامام الصادق عليه السلام، ١٤٢٠ق.
- \_\_\_\_\_، تذكرة الفقهاء، قم، آل البيت عليهم السلام، ١٤١٤ق.
- الحموى، ياقوت بن عبدالله، معجم البلدان، بيروت، داراحياء التراث العربى، ١٣٩٩ق.
- حميرى، عبدالله بن جعفر، قرب الاسناد، قم، آل البيت عليهم السلام لاحياء التراث، ١٤١٣ق.
- خراسانى، محمدجواد، مهدى منتظر، مشهد، نور الكتاب، ١٣٨٨ش.
- خصيبى، حسين بن حمدان، الهداية الكبرى، بيروت، البلاغ، ١٤١١ق.
- خوبى، ابوالقاسم، كتاب الطهارة، بى جا، انتشارات لطفى، دوم، ١٤١١ق.
- \_\_\_\_\_، معجم رجال الحديث، بى جا، بى نا، پنجم، ١٤١٣ق.
- الخيارى، احمد ياسين احمد، تاريخ معالم المدينة المنوره، عربستان، عامه، ١٤١٩ق.
- دمشقى، ابن عساكر، تاريخ مدينه دمشق، على بن حسن بن هبة الله، بيروت، دارالفكر، ١٤١٥ق.

- سجستانی، ابوداود، سنن/ابی داود، بیروت، دارالفکر، اول، ۱۴۱۰ق.
- السرخسی، محمد بن احمد، المبسوط، بیروت، دارالمعرفه، ۱۴۰۶ق.
- سیوطی، عبدالرحمن، الدرالمثور، بیروت، دارالمعرفه، ۱۳۶۵ق.
- شراب، محمد محمد حسن، المعالم الاثیره، بیروت، دارالقلم، ۱۴۱۱ق.
- الشهید الاول، محمد بن مکی، ذکرى، قم، آل البيت ع، ۱۴۱۹ق.
- الشهید الثانی، زین الدین علی عاملی، مسالك الافهام، قم، مؤسسه المعارف الاسلامیه، اول، ۱۴۱۵ق.
- الشیبانی، أحمد بن محمد بن حنبل، مسند الامام احمد بن حنبل، بیروت، دارالصادر، بی تا.
- صادقی، حسن، ببلاء (دانش نامه حج و حرمین شریفین)، تهران، پژوهشکده حج و زیارت، ۱۳۹۲ش.
- صادقی، مصطفی، تحلیل تاریخ نشانه های ظهور، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، اول، ۱۳۸۵ش.
- صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الأثر فی أحوال الإمام الثانی عشر، قم، دفتر آیت الله صافی، ۱۳۸۰ش.
- صالحی شامی، محمد بن یوسف الصالحی، سبل الهدی، به کوشش عادل احمد و علی محمد، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۴ق.
- صبری پاشا، ایوب، موسوعه مرآة الحرمین الشریفین، قاهره، دارالآفاق العربیه، ۱۴۲۴ق.
- صدوق، محمد بن علی بن بابویه، الخصال، قم، منشورات جماعه المسلمین، ۱۴۰۳ق.
- \_\_\_\_\_، کمال الدین و تمام النعمه، قم، مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۳۶۳ش.
- \_\_\_\_\_، من لا یحضره الفقیه، به کوشش غفاری، قم، نشر اسلامی، ۱۴۰۴ق.
- طباطبائی، محمد حسین، المیزان، بیروت، اعلمی، ۱۳۹۳ق.
- الطبرسی، مجمع البیان، بیروت، دارالمعرفه، ۱۴۰۶ق.
- طبری، محمد بن جریر، جامع البیان، بیروت، دارالفکر، ۱۴۱۵ق.
- طریحی، فخرالدین محمد، مجمع البحرین، به کوشش الحسینی، تهران، فرهنگ اسلامی، ۱۴۰۸.

- الطوسی، محمدبن حسن، *الاستبصار*، به کوشش موسوی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۳ش.
- \_\_\_\_\_، *الخلاف*، به کوشش خراسانی و دیگران، قم، نشر اسلامی، ۱۴۰۷ق.
- \_\_\_\_\_، *الغیبه*، قم، مؤسسه المعارف الاسلامیه، اول، ۱۴۱۱ق.
- \_\_\_\_\_، *الفهرست*، بی جا، مؤسسه نشر الفقاهه، اول، ۱۴۱۷ق.
- \_\_\_\_\_، *تهذیب الاحکام*، به کوشش موسوی و آخوندی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۵ش.
- \_\_\_\_\_، *رجال الطوسی*، قم، مؤسسه النشر الاسلامی، اول، ۱۴۱۵ق.
- العاملی، علی الکورانی، *معجم احادیث الامام المهدي* عجل الله تعالی فرجه الشریف، قم، مؤسسه المعارف الاسلامی، ۱۴۱۱ق.
- عیاشی، محمدبن مسعود، *تفسیر العیاشی*، تهران، مکتبه العلمیه الاسلامیه، بی تا.
- عینی، محمدبن احمد، *عمده القاری*، بیروت، دارالتراث، بی تا.
- الفاکی، محمدبن اسحاق، *اخبار مکه*، به کوشش ابن دهیش، بیروت، دارخضر، ۱۴۱۴ق.
- فراهیدی، خلیل بن احمد، *العین*، به کوشش المخزومی و السامرائی، دارالهجره، ۱۴۰۹ق.
- قاضی نعمان، نعمان بن محمد، *دعائم الاسلام*، به کوشش فیضی، قاهره، دارالمعارف، ۱۳۸۳ق.
- القرطبی، محمدبن احمد، *تفسیر قرطبی (الجامع لاحکام القرآن)*، بیروت، داراحیاء التراث العربی، ۱۴۰۵ق.
- قشیری نیشابوری، مسلم بن حجاج، *صحیح مسلم*، بیروت، دارالفکر، بی تا.
- قمی، علی بن ابراهیم، *تفسیر القمی*، تحقیق سیدطیب موسوی جزائری، قم، دارالکتب، ۱۴۰۴ق.
- کلینی، محمدبن یعقوب، *الکافی*، بی جا، دارالکتب الاسلامیه، پنجم، ۱۳۶۳ش.
- الکاسانی، علاءالدین، *بدائع الصنائع*، پاکستان، المکتبه الحیبیه، ۱۴۰۹ق.
- مازندرانی، ملاصالح، *شرح اصول الکافی*، بیروت، دارالتراث العربی، اول، ۱۴۲۱ق.
- متقی هندی، علی بن حسام الدین، *کنز العمال*، بیروت، مؤسسه الرساله، ۱۴۰۹ق.
- مجلسی، محمدباقر، *بحار الانوار الجامعة لدرر الاخبار الائمة الاطهار* علیهم السلام، تصحیح محمدباقر بهبودی؛ سیدابراهیم میانجی و سید محمد مهدی موسوی خراسان، بیروت، داراحیاء التراث



- العربی و مؤسسة الوفاء، ۱۴۰۳ق.
- مروزی، نعیم بن حماد، *الفتن*، تحقیق سهیل زکار، بیروت، دارالفکر، ۱۴۱۴ق.
- مفید، محمد بن محمد بن نعمان، *الاختصاص*، به کوشش غفاری و زرندی، بیروت، دارالمفید، ۱۴۱۴ق.
- \_\_\_\_\_، *الإرشاد*، بیروت، دارالمفید، دوم، ۱۴۱۴ق.
- \_\_\_\_\_، *المقنعه*، قم، نشر اسلامی، ۱۴۱۰ق.
- موسوی خمینی، سید روح الله، *کتاب البیع*، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام، اول، ۱۴۲۱ق.
- مهدی پور، علی اکبر، *در آستانه ظهور پژوهشی پیرامون علائم حتمی ظهور*، مشهد، نورالکتاب، ضامن آهو، ۱۳۸۹.
- میرلوحی موسوی سبزواری، *کفایة المهتدی فی معرفه المهتدی علیه السلام*، قم، دارالتفسیر، ۱۴۲۶ق.
- نجارزادگان، فتح الله، *تفسیر تطبیقی*، قم، مرکز جهانی علوم اسلامی، ۱۳۸۳ش.
- نجاشی، احمد بن علی، *رجال النجاشی*، قم، مؤسسه النشر الاسلامی، پنجم، ۱۴۱۶ق.
- نجفی خوانساری، موسی، *منیه الطالب*، قم، مؤسسه النشر الاسلامی، اول، ۱۴۱۸ق.
- نجفی، محمد حسن، *جواهر الکلام*، تهران، دارالکتب الاسلامیه، دوم، ۱۳۶۵ش.
- نراقی، احمد، *مستند الشیعه*، قم، آل البيت علیهم السلام، ۱۴۱۵ق.
- النسائی، احمد بن علی، *السنن الکبری (سنن النسائی)*، به کوشش عبدالغفار و سید کسروی، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۱ق.
- نعمانی، ابن ابی زینب، *الغیبه*، تحقیق فارس حسون کریم، قم، انوار المهدی، ۱۴۲۲ق.
- نوری، میرزا حسین، *مستدرک الوسائل*، بیروت، آل البيت علیهم السلام، ۱۴۰۸ق.
- النووی، یحیی بن شرف، *المجموع شرح المهدب*، بی جا، دارالفکر، بی تا.
- الواحدی، علی بن احمد، *اسباب النزول*، به کوشش کمال بسیونی، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۱ق.
- واقدی، محمد بن عمر، *کتاب المغازی*، به کوشش مارسدن جونز، بیروت، اعلامی، ۱۴۰۹ق.
- هلالی، سلیم بن قیس، *کتاب سلیم بن قیس*، تحقیق: محمد باقر انصاری، بی جا، بی نا، بی تا.

